

منبع : حزب چپهای آلمان

فشرده برگردان : داود اسعد

جنگ وسیله سیاست نیست

بیانیه آقای اوسکار لافونتین رئیس فراکسیون پارلمانی حزب چپها، هنگام بحث پیرامون مسایل افغانستان در جلسه مؤرخ ۲۰۰۹/۰۹/۰۸ پارلمان آلمان

آقای رییس! خانمها و آقایان محترم!

صدراعظم یکبار دیگر اعزام اردوی آلمان به افغانستان را با این دلایل حقانیت بخشید: اعزام این قطعات بخاطر امنیت بین المللی است، این عملیات در خدمت صلح و در خدمت مبارزه علیه تروریزم بین المللی قرار دارد. میخواهم به نماینده گی از فراکسیون خویش، نتیجه گیری مخالف آنرا ارایه نمایم : ما خروج اردوی آلمان را از افغانستان مطالبه میکنیم، برای آنکه ما اعتقاد راسخ داریم که اعزام اردوی آلمان نه در خدمت امنیت بین المللی، نه در خدمت صلح قرار داشته و حتی قابلیت آنرا ندارد تا با تروریزم بین المللی مبارزه نماید.

نظر به کمبود وقت برایم ممکن است که عده محدودی از دلایل را پیشکش نمایم. یکی از دلایل کلاسیک که همیشه به بحث گرفته میشود، همانا دلیل انصراف از راه مشخص آلمانی است؛ که صدراعظم آنرا یکبار دیگر مطرح کرد. هر گاهی این دلیل مقذور قبول باشد، خانمها و آقایان عزیز من، در آنصورت ما میبایستی در جنگ عراق نیز شرکت میکردیم و در نهایت درینجا راه خاص آلمانی در رابطه با خواسته های بین المللی ما برحق میبود.

شما این مطلب را از دیدگاه رییس اتحاد دموکراتیک مسیحی هم، چنین بررسی کردید. هر گاهی دلیل غیر مؤجه راه خاص آلمانی درست میبود، در آنصورت کانادایی ها کاملاً نادرست تصمیم اتخاذ نمودند، در حالیکه شما اکنون تاریخ خروج را تعیین نموده اید. چرا ما اقلأ جرأت آنرا نداریم تا همانند کانادایی ها تصمیم اتخاذ کنیم؟

دلچسپ است که شما امروز دوباره بر معیار های ملکی تأکید کردید. با تأسف این مطلب هم اکنون غیر قابل باور است؛ زیرا در ظرف دو ماه اخیر اکیداً ضد این گفته ها عمل شده است : البته معیار های ملکی تقویت نشده اند، بلکه معیار های نظامی - نباید این مطلب را در چنین اوضاع تراژیدیک موعظه کرد. همه آنچه می شنویم، گواهی بر آن میدهد که معیار های نظامی تقویت هر چه بیشتر می یابد. اجازه نداریم که حتی در چنین وضع پیچیده در مورد این واقعیت به تحریف متوسل گردیم.

اکنون بر میگردم به نقطه تعیین کننده. این ادعا، که شما در مبارزه با تروریسم بین المللی قرار دارید، از جانب آنهایی مردود شمرده میشود، که آنان هر گاهی بپذیریم، از دیدگاه مسلکی با آن سروکار دارند. در هر حال خوب است که قوماندان مک کرایستل برای نخستین بار با وضاحت تمام این مطلب را برملا ساخته و توضیحات شمارا اکیداً رد کرده است. آری! من میخواهم بگویم که وی این جنگ را غیر منطقی، غیر قابل تصور و غیر مؤجه توضیح کرده است. من میخواهم درینجا توضیح دهم که آن قوماندان چه برداشت هایی ازین عملیات های جنگی که شما به آن جایگاه حقانیت دادید، دارد. وی گفت، جنگ افغانستان را ممکن نیست با تفکرهای نظامی عنعنوی و نورماتیف هایی به پیروزی رسانید، که هدف از آن نابودی دشمن باشد. از دیدگاه عنعنوی نابود ساختن دوتن از یک گروپ ده نفری چنان تبارز داده میشود که هشت تن از دشمنان باقیمانده اند. در یک کشوری مانند افغانستان که اقوام و قبایل تعیین کننده ماحول اجتماعی آن می باشد، مطلب ازین قرار است که دو فرد کشته شده، تعداد زیادی از اقاربی خواهند داشت که به تعقیب چنین واقعاتی به انتقام جویی بر میخیزند. در مسایل قربانیان ملکی این موضوع شدیدتر از آن واقعه یی است که در مورد جنگ آوران صدق میکند. محاسبه ازین قرار است " ۱۰ منفی ۲ مساوی است به ۲۰... ". این بدان معنی است که فرد مسؤل در افغانستان درینجا به شما (منظور صدراعظم است.م.) میگوید که عملیات جنگی به هیچ چیز دیگری، غیر از سربازگیری و پیوستن تعداد بیشتری به صفوف آنان نخواهد بود. با موجودیت چنین واقعیتی درینجا چگونه توضیح میدهید که شما با تروریسم در افغانستان مقابله میکنید؟ در همه حال، چگونه میشود دلایل منطقی ارایه کرد؟

چیز دیگری غیر از این در سال های اخیر بوقوع نپیوسته است. به همین سبب تعداد برخوردها افزایش یافته، به همین سبب این کشور بیشتر از پیش ناامن تر شده، به همین سبب ما در آنجا- شاید هم از دیدگاه بهبود وضع- بلای بیشتری را بالای آنان آوردیم که آنهم با گذشت هر سال بیشتر از پیش شد. انسانها همیشه بیشتر از پیش زنده گی شانرا از دست دادند، سربازان و افراد ملکی، افراد ملکی و سربازان. به پیمانۀ بزرگی به اظهارات شما خانم صدراعظم احترام میگذارم که اینجا گفتید، شما متأسف هستید، که افراد بیگناه یعنی افراد ملکی جانهای شان را از دست داده اند: من متأسفم- حتی برپایۀ تجارب فردی- که سربازان در آنجا جانهای شان را از دست میدهند. من آرزومندم که در آنجا، در افغانستان، هیچ سربازی جان خود را از دست ندهد. آنچه را که ما باید بدانیم اینست که ما در آنجا در برابر یک فرهنگ مبارزه میکنیم و این جنگ، در برابر یک فرهنگ بُرد ندارد. فرهنگی که از آن صحبت در میان است از جانب فرمانده ارشد آیساف بطور روشن بیان شد. ما در آنجا در برابر یک ساختار قومی- عشیروی قرار داریم. فرهنگ قومی، همه آنانی را که در حلقۀ اقارب شان کسی را از دست داده باشند، مسؤل گرفتن انتقام میسازد.

- به آدرس سبزهها، من میدانم که شما اکنون مشکلاتی دارید: شما درین جنگ مسؤلیت دارید و میخواهید حال ازین مسؤلیت کنار روید.

این شیوۀ راد مردی نیست. شما بایست هم این مسؤلیت را بپذیرید.

ما به این نظر هستیم، که تکانه ایکه درینجا ارایه شد- اینکه معیار های ملکی را تقویت نمود- طبیعتاً در فرجام یک اعترافی است که معیار های نظامی به ناکامی مواجه شده، زیرا منجر به آنچه گردیده که من قبلاً از آن نقل قول کردم. نمیتوان ازین منطق طفره رفت. ما قطب مخالف آنچه را که میخواهیم تعمیل نماییم، جامۀ عمل می پوشانیم.

این اصل بوسیله توضیح خدمات (خدمات اطلاعاتی.م.) درینجا در جمهوری فدرال مزید بر همه تقویت میگردد. در روز های اخیر باز هم به اطلاع رسانیده میشود- ما بطور همیشه گی به این نکته اشاره نموده ایم- که خدمات در جمهوری فدرال

میگویند: عملیات نظامی در افغانستان، که صدراعظم حقانیت آنرا تأیید کرد، خطر حملات تروریستی را در آلمان تشدید می بخشد. من به نماینده گی از فراکسیون خویش می پرسم: آیا این وظیفه حکومت فدرال است تا از طریق عمل شان زمینه هایی را مساعد گردانند که خطر حملات تروریستی در آلمان تشدید حاصل کند؟

(حزب سوسیال دموکرات آلمان: آنچه شما میگویید، غیر قابل باور است!)

- آری، غیر قابل باور است، آن سیاستی که شما انجام می دهید؛ درین مورد شما کاملاً حق دارید. شما کدام دلیل قانع کننده ندارید تا این سیاست را، حتی مؤجه جلوه دهید.

در اخیر اندکی در باره دلایل همیشه ارایه شده میگویم، درینجا مطلب روی یک عملیات کمکی و یک مداخله بشر دوستانه می چرخد. کلیه سازمانهای بین المللی که درین کمک رسانی فعالیت دارند، همیشه به این واقعیت اشاره می کنند: با صرف پول بی نهایت کم، میتوان بطور مقایسوی تعداد زیادی از انسانها را از مرگ در برابر گرسنه گی و از مرگ در برابر مریضی محفوظ نگهداشت، بدون آنکه حتی مجبور به از بین بردن یک انسان هم شد. اینست فاجعه مورالیک که شما در اسارت آن هستید. بناءً ازین نظر پیروی میکنیم: جنگ وسیله سیاست نیست. اردوی آلمان را از افغانستان خارج سازید!

www.ayenda.org